

فساد اقتصادی و نحوه مبارزه با آن در حکومت علوی

امید فرهاد توسکی

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

رحمان دوستیان *

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی است. از نظر اسلام و قرآن، چون هدف، گردش سالم اقتصادی در همه جامعه است، هر گونه رفتاری بر خلاف این اصل به عنوان فساد اقتصادی شناسایی و با آن مقابله می‌شود، از این رو حتی با ثروت‌اندوزی برخورد می‌شود؛ زیرا ثروت‌اندوزی نه تنها مانع از گردش سالم اقتصاد در جامعه می‌شود، بلکه مانع جدی در سر راه رشد شخص می‌گردد و او را گرفتار اسراف می‌کند. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه برای مبارزه با فساد روش‌هایی را تبیین کرده و در حکومت از آن استفاده کرده است.

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر نهج‌البلاغه و منابع معتبر دیگر پاسخ این سؤال بررسی شده است که: نحوه مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی چگونه بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد یک جامعه مدنی پویا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. آنچه که در این میان شایسته توجه است، ولی از نگاه ژرف اندیشمندان مسلمان در حوزه اقتصاد، تا حدودی به دور مانده، سیاست‌های اقتصادی حکومت علوی است که می‌تواند برای گریز از بحران اقتصادی موجود در دنیای اسلام و پایه‌ریزی یک الگوی مناسب اقتصادی، اساس و شالوده یک طرح نوین باشد.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، فساد اقتصادی، مبارزه با فساد، حکومت علوی

* نویسنده مسئول: Rahman_doostian@yahoo.com «روش ارجاع به این مقاله: فرهاد توسکی،

امید و دوستیان، رحمان (۱۴۰۳). فساد اقتصادی و نحوه مبارزه با آن در حکومت علوی، دوفصلنامه علمی تفسیر

۱- مقدمه

در جهان معاصر که اقتصاد، حرف اول را در تمام فعل و انفعال‌های داخلی و بین‌المللی کشورهای دنیا می‌زند، ارائه طرح و الگویی که بتواند اقتصاد کشورها و به تبع آن اقتصاد جهانی را در جهت همخوانی با معیارهای انسانی و اهداف بشری هدایت کند و در یک کلام عدالت اجتماعی را به ارمغان بیاورد، ضروری احساس می‌شود؛ گرچه در این راستا از قرن‌ها پیش تا کنون تلاش‌هایی از سوی اقتصاددانان جهان غرب به طور گسترده و دانشمندان مسلمان در چارچوب موازین اسلامی صورت گرفته و مدل‌هایی هم ارائه شده است؛ اما عملاً نتوانسته اقتصاد را در مسیر اهداف انسانی قرار بدهد.

بخشی از این عدم موفقیت شاید به عملی نشدن الگوهای مطرح شده برگردد و بخشی هم به ناکارآمد بودن مدل‌ها. یکی از راه‌های رسیدگی به معضل فساد اقتصادی در جوامع مسلمان، ایجاد حکمرانی خوب است. باین حال، یک جامعه مدنی پویا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. آنچه که در این میان شایسته توجه است که از نگاه ژرف اندیشمندان مسلمان در حوزه اقتصاد، تا حدودی به دور مانده، سیاست‌های اقتصادی حکومت علوی است که می‌تواند برای گریز از بحران اقتصادی موجود حداقل در دنیای اسلام و پایه‌ریزی یک الگوی مناسب اقتصادی مفید باشد و شالوده یک طرح نوین باشد.

فساد از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع، از دست‌یابی به اهداف و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌رود. به همین دلیل، همواره کسانی که در پی سلامت نظام اجتماعی بشر، رشد و تکامل آن بوده، به دنبال پیشگیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی بوده‌اند. پیامبران و اولیای الهی در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه برنامه‌های تبلیغی و

سیره عملی خود قرار داده، در این راه جان‌نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱). فساد در دستگاه‌های اداری از منظر حضرت علی (ع) همواره امر مذمومی به شمار می‌آمده و شروع حکومت حضرت، به دلیل ساختار نامناسب حکومت سابق، با انبوهی از مفاسد و انحرافات در نظام اداری و مالی و حکومتی همراه بود که از همان ابتدای حکومت، مبارزه با فساد سرلوحه حکومت اسلامی ایشان بوده است. یکی از برنامه‌های روشن حکومت علوی، برقراری عدالت و احقاق حق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض‌ها، انحصارات، رانت‌خواری‌ها، و پایمال‌کنندگان اموال عمومی بوده است.

در سیره نظری و عملی حضرت علی به‌ویژه در دوران تصدی حاکمیت و مدیریت اجرایی جامعه اسلامی، دارای سیاست‌ها و راهبردهای اصلاحی در عرصه مدیریت اقتصادی و نیز ساماندهی نظام سالم روابط اقتصادی بین مردم و حکومت است. امیرمؤمنان برای پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی، پاسخگویی مسئولین، نظارت عمومی، شایسته‌سالاری، وضع قوانین کارآمد، امنیت اقتصادی، جلوگیری از اختلاس، رباخواری، احتکار و تبعیض، ثبات بازار و مواردی از این قبیل را در نظر داشت. از نظر اسلام، ثروت و مال در حیات مادی و معنوی انسان‌ها نقش اساسی دارد و در برخی روایات از تنگدستی به «روسیاهی در دنیا و آخرت» (حکیمی، ۱۳۸۰) و «مرگ بزرگ» (سید رضی، حکمت ۱۶۳) تعبیر شده است.

پیشینه و ادبیات توسعه‌یافته‌ای در مورد تعریف و معنای فساد اقتصادی وجود دارد که رویکرد آن ناشی از انسان‌شناسی اجتماعی است. این تعاریف به بررسی تفاوت‌های ظریف بین رشوه، خویشاوندی، اختلاس، اخاذی و غیره می‌پردازد و روابط بین مردم و بوروکراسی‌ها را منعکس می‌کند (به عنوان مثال. لیز، ۱۹۶۵؛ گوپتا، ۱۹۹۵؛ اولیویه دو ساردان، ۱۹۹۹؛ پاری، ۲۰۰۰؛ میلر، گرودلند و کوشچکینا، ۲۰۰۱). ثواقب (۱۳۹۱) در

مطالعه‌ای با عنوان «مبانی و شاخص‌های حکومت علوی» بیان می‌دارد حکومت علوی بر اصولی همچون دینداری، عدالت‌گرایی، قانون‌مداری و آزادی و امنیت استوار است و معیارهای این حکومت از تعالیم دینی و شریعت الهی، سنت نبوی و اجتهاد علوی و بر اساس واقعیات جامعه نشأت می‌گیرد. این رهیافت‌ها را می‌توان به شکل دستورالعمل و الگویی برای نظام‌سازی و مدیریت جامعه اسلامی به کار گرفت و با اجرای این الگوهای کاربردی عدالت اجتماعی و امنیت کامل را تحقق بخشید.

حاجیان حسین‌آبادی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی روش‌های علی‌بن‌ابیطالب (ع) در مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت می‌پردازد. از اقدامات اساسی امام علی (ع) در نظام اقتصادی، کنترل و نظارت همه‌جانبه برای پیشگیری از وقوع فساد و روش‌های مقابله با آن بود. حضرت با برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی، شایسته‌سالاری، شفافیت اطلاعات، نظارت و کنترل، جلوگیری از اختلاس، ممانعت از احتکار، رباخواری، رانت‌خواری، مبارزه با گران‌فروشی، کم‌فروشی، تثبیت قیمت‌ها و تنبیه متخلفان با هرگونه فساد اقتصادی مقابله و مبارزه نمود. از آن‌جا که بدون داشتن الگوی مناسب و برنامه‌ریزی صحیح، امکان ریشه‌کنی فساد وجود ندارد، توجه به شایسته‌ترین حکومت می‌تواند الگوی مناسب و برنامه‌ای سازنده جهت یافتن روش‌های درست در راستای مبارزه با فساد باشد؛ لذا توجه به آموزه‌های علوی اهمیت و ضرورت بیش از پیش می‌یابد.

روش گردآوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و ابزار گردآوری مطالب، شیوه اسنادی است و در تجزیه و تحلیل مطالب، از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. با این مقدمه، این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال است که نحوه مقابله با فساد اقتصادی در حکومت علوی چگونه بوده است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱) فساد اقتصادی و انواع آن

واژه اقتصاد در لغت به معنی تعادل داشتن، میانه‌روی، کم‌خرج کردن یا به‌اندازه خرج کردن و ذخیره است. به گفته سیمسون ۱۹۸۹، این کلمه نخستین بار در سال ۱۵۳۰ میلادی از زبان فرانسوی با عنوان *Economie* وارد زبان انگلیسی شده و در کل، به معنای مدیریت خوب منابع در خانه است (زاهدی و شریفی، ۱۳۹۰). در عرف رایج، کلمه «فساد» با طیفی از اعمال مانند رشوه، اخاذی، نفوذ در خرید، خویشاوندی، طرفداری، کلاهبرداری و اختلاس شناسایی می‌شود. با این حال، دلیل اصلی فساد، شکست اخلاقی است. واژه فساد از فعل لاتین *Rumpere*، یعنی شکستن (تانزی، ۲۰۰۰) گرفته شده است؛ بنابراین، به طور ضمنی، چیزی شکسته می‌شود - احتمالاً یک کد رفتار اخلاقی، اجتماعی یا اداری غالب شکسته می‌شود. از این نظر، فساد را می‌توان به‌عنوان خیانت و سوءاستفاده از اعتماد به نفع شخصی در نظر گرفت (ولف و گورگن، ۲۰۰۰). در آنچه جانستون (۱۹۹۶) دیدگاه «کلاسیک» نامید، فساد جامعه یا دولتی را توصیف می‌کند که از معیار خوبی فاصله گرفته باشد. فساد معمولاً به‌عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌شود (نی، ۱۹۶۷).

به طور متعارف، اصطلاح «فساد» به هرگونه فعالیت غیرقانونی برای منافع شخصی یا جمعی اشاره دارد. بر این اساس، سه تعریف برای فساد وجود دارد (آزرا، ۲۰۱۰):

فسادی که در مناصب دولتی متمرکز است (فساد اداری - محور) که به‌عنوان «اقدامات و سیاست‌های یک مقام دولتی خاص که با موقعیت رسمی وی مطابقت ندارد، به‌منظور کسب منافع شخصی یا منافع معین برای افرادی که با او رابطه نزدیک دارند؛ مانند خانواده، اقوام و دوستان» تعریف می‌شود. این تعریف، همان‌طور که می‌توان مشاهده کرد، شامل فساد و

خویشاوندی است، یعنی ایجاد حمایت بر اساس رابطه خانوادگی (نسبتی) نه بر اساس شایستگی.

تعریفی از فساد وجود دارد که «بر تأثیر فساد بر منافع عمومی متمرکز است (منافع عمومی). از این نظر، می‌توان گفت که فساد زمانی رخ داده است که یک صاحب قدرت یا یک مقام دولتی اعمال و سیاست‌های خاصی را بر اساس اراده افراد دیگری (که پول یا سایر انواع پاداش مادی ارائه کرده‌اند) انجام داده است». در راستای این تعریف، می‌توان گفت که فساد زمانی رخ می‌دهد که یک دارنده مناصب دولتی اعمال یا سیاست‌هایی را به نفع افراد خاصی انجام دهد که به او پاداش‌های مادی داده‌اند که به نوبه خود موقعیت رسمی و منافع عمومی او را مخدوش کرده است.

در نهایت به تعریفی از فساد بر می‌خوریم که بر بازار متمرکز است (بازار محور). این تعریف مبتنی بر تحلیل‌هایی از فساد است که از نظریه‌های مختلف انتخاب‌های اجتماعی و عمومی و همچنین رویکردهای اقتصادی در چارچوب تحلیل سیاسی استفاده می‌کند. از این نظر، «فساد یک نهاد فراقانونی است که توسط گروه‌هایی از مردم به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رویه‌های بوروکراسی استفاده می‌شود»؛ بنابراین، این نوع فساد نشان می‌دهد که افراد و گروه‌هایی از مردم که در فرایند تصمیم‌گیری دخالت دارند، بیش از هر فرد یا گروه دیگری در معرض فساد هستند. کلیه رفتارها و سوءرفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌گردد.

فساد مالی (اقتصادی) در یک مفهوم گسترده‌تر «بده‌وبستان اجتماعی یا فساد اجتماعی نامیده شده است که به‌عنوان یک عنصر اساسی از مشتری‌گرایی تلقی می‌شود». مشتری‌گرایی اغلب به معنای مبادله منافع مادی است ولی نمی‌توان آن را تا این حد محدود

کرد زیرا مشتری‌گرایی اغلب به معنای مبادله منافع مادی است ولی نمی‌توان آن را تا این حد محدود کرد زیرا مشتری‌گرایی دارای مفهوم فرهنگی و اجتماع گسترده‌تری است (صالحی، ۱۳۹۹). سطح این نوع فساد بر اساس نقش دولت و میزان حضور دولت در اقتصاد، متفاوت است.

فساد مالی، همزاد با تشکیل حکومت در جوامع مطرح بوده است؛ یعنی از زمان تشکیل حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی نیز شکل گرفته و همواره تهدیدی جدی برای جامعه و منابع عمومی بوده و هست (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳). با وجود تعاریف بی‌شماری که در متون و مستندات مربوط به فساد مالی (اقتصادی) به چشم می‌خورد، انتخاب یک تعریف جامع و مانع در این موضوع چندان آسان نیست. بیشتر پژوهشگران، فساد مالی را به‌عنوان یک رابطه خاص حکومت - جامعه تعریف کرده و بین فساد سیاسی و فساد اداری و نیز فساد کارکردی و فساد ناکارکردی تفاوت قایل می‌شوند. فساد مالی به طور متعارف، رفتار نفع‌طلبانه شخصی است که به‌عنوان یک مأمور یا مقام دولتی عمل می‌کند. همچنین تعریف کارکردی فساد مالی که از سوی بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، عبارت است از سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷).

پیامدهای فساد عبارتند از: کاهش امنیت، بی‌ثباتی، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش بهره‌وری و کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های دولتی، خروج کشور از مسیر توسعه، هدایت توانایی‌ها به مسیر نادرست، کاهش ارزش‌های اخلاقی، کاهش ایمان و دینداری، کاهش تولید و بروز فقر و شکاف طبقاتی (عزتی، ۱۳۹۳).

از جهتی فساد به سه دسته تقسیم می‌شود (محمدنبی، ۱۳۸۰): الف) فساد اقتصادی: اعمال و رفتاری غیرقانونی که باعث ازدیاد ثروت و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه می‌گردد و اختلال در نظم اقتصادی را در پی دارد؛ ب) فساد اداری: شامل کم‌کاری، کاغذبازی، اهمال، دیوان‌سالاری، سوءاستفاده از قدرت و ارتشا و اختلاس؛ ج) فساد فرهنگی: هر فعل یا ترک فعل که باعث مخدوش کردن یا ایراد صدمه به باورها و ارزش‌ها و اعتقادات جامعه گردد.

از منظر دیگری، فساد را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود (خضری، ۱۳۸۱): الف) فساد سیاسی: انحراف و یا تخطی از هنجارهای رسمی و مدون، اصول اساسی اخلاقی و مقررات دولتی یا سوءاستفاده از قدرت دولتی واگذار شده، به‌وسیله رهبران سیاسی برای کسب منافع خصوصی و شخصی با هدف افزایش قدرت و ثروت؛ ب) فساد اداری: سوءاستفاده نهادینه شده شخصی از منابع عمومی و دولتی توسط کارگزاران خدمات عمومی و اقتصادی؛ ج) فساد اقتصادی: این نوع فساد بیشتر از رابطه متقابل دولت و اقتصاد بازار ناشی شده و در مواقعی که خود دولت بخشی از فعالیت اقتصاد بازار را درون خود داشته باشد، نمود فراوان‌تری می‌یابد.

۲-۲) عدالت و لوازم اجرای آن

عدالت در لغت به معنای دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری به‌کاررفته و عدالت اجتماعی آن است که قاطبه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲). برخی از واژه‌شناسان عدالت را به‌تساوی تقسیم‌کردن چیزی تعریف نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲)؛ رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران: اگر عمل نیک است پاداش و اگر بد است، کیفر داده شود (طریحی، ۱۴۱۶)؛ در موارد دیگری البته معانی متفاوتی به خود گرفته است؛ ولی همه آنها حول محور برابری و رعایت انصاف و پرهیز از ستمگری

می‌چرخد، از این رو گفته‌اند رضایت داشتن از مردم در قول و حکمشان و همچنین حکم به حق کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰) یا این‌که عدالت مخالف ظلم و ستم است (جوهری، ۱۴۱۰).

عدالت یا انصاف، مفهومی است که در پژوهش‌های سازمانی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. پایه و اساس انواع روابط و مبادلات اقتصادی و اجتماعی است. در بحث سازمانی، ضرورت حفظ قدرت رقابتی، سازمان‌ها را وادار کرده تا وارد روابط بلندمدت شوند. رعایت انصاف و عدالت بحث مهمی در روابط بلندمدت محسوب می‌شود؛ چرا که دو شریک نیازمند همکاری در برخی زمینه‌ها و استفاده از توانایی‌ها و منابع مالی یکدیگر جهت دستیابی به اهداف و منافع متقابل هستند. عدم رعایت عدالت ممکن است به این روابط آسیب‌زده و یا به آن خاتمه بخشد (لیو و همکاران، ۲۰۱۲). در مقابل مفهوم عدالت، مفهوم بی‌عدالتی قرار می‌گیرد. بی‌عدالتی در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، موقعیتی است که افراد در برابر نقش‌ها و موقعیت‌های برابر از مزایای اجتماعی نابرابر برخوردار می‌شوند و برخی بر دیگران و بدون برتری داشتن، برتری داده می‌شوند (شاه‌علی و رنجبر، ۱۳۹۴). در طول تاریخ، در زمینه مبارزه با فساد، نظریه‌ها و راه‌حل‌های مختلفی مطرح شده که بسیاری از آنها مورد آزمون قرار گرفته و بعضاً نتایجی قابل قبول به همراه داشته است.

یکی از این نظریه‌ها و راه‌حل‌ها، «اجرای عدالت» است؛ بدین معنا که اجرای عدالت در تمامی ابعاد آن و به مقتضای شرایط، می‌تواند مانع از بروز فساد شود و از گسترش آن جلوگیری نماید. در سیره و عملکرد امیرالمؤمنین (ع) نیز مشاهده می‌شود که اجرای عدالت کاهنده فساد است و برعکس عدم اجرای عدالت موجب افزایش فساد می‌شود (مومنی و همکاران، ۱۴۰۳). برای تحقق عدالت باید با هر نوع فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی و زمینه‌های رشد بی‌عدالتی و تبعیض‌ها در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگرایان مبارزه کرد (نظامی، ۱۴۰۰).

۲-۳) روش‌های مبارزه با فساد

- چهار نوع سیاست وجود دارد که می‌تواند توسط سیاست‌گذاران دولتی اتخاذ شود تا به طور مؤثر - اگر نه به طور کامل - انواع مختلف فساد را ریشه‌کن نماید:
- الف. اصلاح سیاست‌هایی که به هر طریق ممکن است توسط مقامات دولتی مورد سوءاستفاده قرار گیرد.
- ب. اصلاح ساختار حقوق و دستمزد و سایر مشوق‌های مادی که در بوروکراسی و سایر نهادهای عمومی اعمال می‌شود.
- ج. اصلاح سازمان‌های مجری قانون و گسترش ظرفیت آنها برای اجرای قانون و نظم.
- د. تقویت حاکمیت قانون.

بر اساس آموزه‌های قرآن، قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است، خداوند متعال در آیه پنجم سوره نساء در این باره فرموده است: «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید».

البته بر پایه تحلیل و تبیین قرآن از نقش و اهمیت اقتصاد سالم در سرنوشت ابدی بشر این معنا به دست می‌آید که سعادت ابدی انسان، یعنی متاله و ربانی شدن و رسیدن به آسایش و آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است؛ چنان‌که خداوند متعال در آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود به این مسئله اشاره و می‌فرماید: «وَالِی مَدِیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَیْرِهِ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِکْيَالَ وَالْمِیزَانَ اِنِّیْ اَرَاکُمْ بِخَیْرِ وَاِنِّیْ اَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ مُّحِیْطٌ ﴿۸۴﴾ وَیَا قَوْمِ اَوْفُوا الْمِکْيَالَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْیَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ

﴿۸۵﴾؛ و به سوی [اهل] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمانۀ و ترازو را کم نکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴) و ای قوم من پیمانۀ و ترازو را به تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵)».

پس می‌توان ریشه فساد را در عدالت‌گریزی جست‌وجو کرد؛ عدالت‌گريزان، قانون‌گريزان ماهری نیز هستند؛ زیرا قانون مبتنی بر اصول عقلانی، عقلایی و شرعی اجازه می‌دهد تا هر کسی در هر موقعیتی بتواند از زندگی به شکل طبیعی بهره‌مند شود؛ اما قانون‌گريزان، می‌خواهند تا با تغییر موقعیت خود در جامعه بر خلاف قانون، ثروت را برای خود محدود سازند و دیگران را از حق طبیعی‌شان محروم سازند.

از نظر اسلام و قرآن، چون هدف، گردش سالم اقتصادی در همه جامعه است، هر گونه رفتاری بر خلاف این اصل به عنوان فساد اقتصادی شناسایی و با آن مقابله می‌شود، از این رو حتی با ثروت‌اندوزی برخورد می‌شود؛ زیرا ثروت‌اندوزی نه تنها مانع از گردش سالم اقتصاد در جامعه می‌شود، بلکه مانع جدی در سر راه رشد شخص می‌گردد و او را گرفتار اسراف می‌کند. البته مراد از ثروت‌اندوزی در اینجا آن نوع ثروت‌اندوزی است که مانع سلامت اقتصادی و گردش سالم آن و خروج از دایره عدالت، انصاف و برابری می‌شود؛ بنابراین، اگر ثروت‌اندوزی به نیت و قصد افزایش ثروت عمومی جامعه و ثروت ملی و گسترش و رشد اقتصادی جامعه و مردم باشد، عملی مثبت و در چارچوب عدالت و اقتصاد سالم خواهد بود.

۳. روشهای مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی

امام علی (ع) بعد از انحراف بیست و پنج ساله مردم از راه و روش پیامبر اعظم (ص) و استحاله اسلام مستضعفین به اسلام مستکبرین، زمانی خلافت را در دست می‌گیرد که اشرافیت جاهلی در قالبی جدید و با توجیهاتی شرعی، از درون اسلام سر برآورده بود. تفکر طبقاتی نوپا، جامعه را در دو طبقه غنی و فقیر جای داده، اقتصاد و ثروت‌های عمومی را ظالمانه تقسیم کرده بود، ثروت‌های بادآورده، عثمان را در رأس زراندوزان جای داده و مترفینی چون طلحه‌ها، زبیرها و عبدالرحمن بن عوف‌ها را با هدیه جذب کرده بود. از طرف دیگر ابوذرها و توده مردم را در چنبره فقر و فساد حکومتی به نابودی کشیده بود که شورش مردم و قتل عثمان حجت قاطعی بر این ادعا است. جهان‌بینی امام علی (ع)، بر محور عدالت تکوینی و ایدئولوژی حضرتش بر مدار عدالت تشریحی است. راست‌پویی و راست‌سوئی، همنشین همیشگی امام علی (ع) هستند.

امام (ع) در حکومت پنج ساله خود، بر مسیر عدالت‌خواهی و با قاطعیت مکتبی، با اشرافیت جدید، به دور از کوچک‌ترین تسامحی، به مبارزه برمی‌خیزد و فسادزدایی اقتصادی را وجهه همت خود می‌سازد و ارزش خلافت را از آب بینی بزی و از لنگه کفش وصله‌داری هم کمتر می‌بیند. مگر اینکه در سایه خلافت و حکومت، طبق میثاقی که خداوند از انسان‌های آگاه در راستای دادخواهی بر گرسنگی فقیران و فریادگری بر سر سیران افزون طلب گرفته است، حق مظلوم از ظالم استیفا شود (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). در بینش امام علی (ع) تنها راه فسادزدایی اقتصادی و استیفای حق مظلوم از ظالم، قاطعیت است؛ لکننت زبان در این مسیر، مردود است.

در یک نظام ضد فساد، حسابرسی‌ها و حساب‌برسان - همانند بسیاری از تمهیدات پیشگیرانه - از طریق خطرناک و مشکل‌تر کردن فساد، از وقوع آن جلوگیری می‌کنند. بنابراین حسابرسی یک فرایند نظارتی است که نقش پیش‌گیرانه مؤثری را ایفا می‌کند.

میزان گستردگی و درجه تفصیل حسابرسی‌ها متنوع است، اما در مجموع باید به طور کامل، دقت و سلامت اقدامات انجام شده و سوابق نگهداری شده را مورد ارزیابی قرار دهند. هدف اصلی از انجام حسابرسی، تأیید سوابق، فرایندها و یا اقدامات نهادی است که از استقلال کافی درباره موضوع حسابرسی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که به اقدامات جانبدارانه مبادرت نمی‌ورزد و یا دچار تأثیرپذیری‌های ناشایست نمی‌شود.

امام برای جلوگیری از ارتکاب اقدامات فسادانگیز و نظارت بر فرایند ورودی و خروجی خزانه‌های محلی، از نهاد حسابرسی در این زمینه استفاده می‌کرد، بدین شکل که یکی از وظایف حاکمان مناطق محلی، ارسال گزارش میزان ورودی و خروجی خزانه‌داری‌های محلی و مالیات‌های دریافتی از مردم و هزینه‌های پرداختی در منطقه بوده است. حاکمان وظیفه داشته‌اند که به صورت معین این گزارش‌ها را برای امام ارسال کنند. در نامه‌های مختلف امام به کارگزاران مناطق مختلف، جمله «إرفع الیّ حسابک» به معنای گزارش حساب‌ها و عملکرد خود را برایم بفرست دیده می‌شود. گزارش‌ها به‌دقت بررسی و با آمار و ارقامی که توسط مأموران و حساب‌رسان ارسالی حضرت صورت می‌گرفت، بازبینی می‌شد و در صورتی که اختلافی میان آنها بود، حضرت از کارگزار خود توضیح می‌خواست و اگر حساب‌سازی او به اثبات می‌رسید، بازوی کیفی نظام حکومتی امام به استقبالش می‌رفت: «ای زیاد! به خدا سوگند تو دروغ گفته‌ای و اگر خراج و مالیاتی را که از مردم گرفته‌ای کامل نزد ما نفرستی بر تو بسیار سخت خواهیم گرفت و مجازات سختی خواهی دید» (بلاذری، ۱۴۱۶ و یعقوبی، ۱۳۸۰) (سرکشیکیان، ۱۳۸۸).

امیرمؤمنان با درنظرگرفتن روش‌ها و قواعد بازدارندگی از فساد و با علم و دانش اقتصادی، با برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی، شایسته‌گزینی، وضع قوانین کارآمد، گسترش امنیت اقتصادی، نظارت و کنترل همه‌جانبه از مفاسد بسیاری از جمله: اختلاس، رباخواری،

احتکار، تبعیض، پیشگیری و ثبات و آرامش را در اقتصاد ایجاد نمودند؛ تا عموم مردم بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند و از فساد که برهم‌زننده آرامش و تعادل در بازار است، پیشگیری شود (حاجیان حسین‌آبادی، ۱۳۹۸). راهکارهای مقابله با فساد در سیره امیرالمؤمنین (ع)، عبارتند از:

۳-۱) داشتن سیستم نظارتی قوی

گام اول از منظر امام علی (ع) داشتن سیستم نظارتی و اطلاعاتی قوی است، وقتی در سیره امیرالمؤمنین (ع) دقیق می‌شویم، می‌بینیم از قاضی یکروزه در حکومت خود استفاده می‌کند. به این معنا که ابن هرمه را به قضاوت در شهری منصوب کرد و روز بعد او را عزل نمود. وقتی خدمت امیرالمؤمنان (ع) رسید، درباره این اقدام سؤال کرد. حضرت فرمود: «سیستم اطلاعاتی به من خبر دادند که تو با مردم بدرفتاری کرده و خشن صحبت می‌کنی، به همین جهت شما را عزل کردم». این مسئله نشان می‌دهد علی (ع) دارای سیستم نظارتی و اطلاعاتی در حکومت خود بودند.

۳-۲) پیگیری شکایات مردمی

گام دوم در زمینه جلوگیری از فساد در حکومت امام علی (ع)، پیگیری شکایات مردمی است. امام علی (ع) در جاهای مختلف وقتی مردم از ظلم یک فرماندار گزارش می‌دهند، برافروخته شده، تحقیق می‌کند و ترتیب اثر می‌دهد که نمونه آن شکایت سوده همدانی از گرفتن مالیات اضافه است.

۳-۳) افشا و رسوایی خیانتکاران

گام سوم امیرالمؤمنین (ع) با فساد، افشا و رسوایی خیانتکاران است. امام علی (ع) نوع خیانت را برای مردم بیان کرده و متناسب با جرمی که کرده با او برخورد می‌کند نه

اینکه به مفسد اقتصادی پروبال بدهد و به او پست بالاتر بدهد یا برخی شبهه کنند که برخورد با مفسد اقتصادی باعث فرار سرمایه‌ها می‌شود درحالی‌که این‌گونه نیست و برخورد متناسب با خیانت سبب رونق اقتصادی شده، مردم امیدوار می‌شوند و سرمایه‌ها از کشور اسلامی خارج نمی‌شود.

۳-۴) تحقیر مفسدین اقتصادی

گام چهارم در مقابله امام علی (ع) با فساد، تحقیر مفسدین اقتصادی است. امام علی (ع) در مواجهه با گزارش تخلف یکی از فرمانداران خود به وی نامه می‌نویسد که: «اگر گزارشی که از تو به دست من رسیده، درست باشد، ارزش بند کفش تو از تو بیشتر است». یا در جای دیگر می‌نویسد: «آخرت خود را برای دنیای دیگران خراب کردی».

۳-۵) عزل فوری مفسدان اقتصادی

گام پنجم امام علی (ع) در مقابله با فساد، عزل فوری مفسدان اقتصادی است. امام علی (ع) در موارد مختلف که به او گزارش می‌دهند فلان قاضی شما با اشراف نشست و برخاست می‌کند و در سفره‌های رنگین حاضر می‌شود، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و فوری نامه عزل آن فرماندار را می‌نویسد و خطاب به او می‌فرماید: «اموالی که دست توست امانت است و حق نداری از آن استفاده کنی تا فرماندار بعدی بیاید و در بازگشت، سخت از تو حساب و کتاب خواهم کشید».

۳-۶) پس گرفتن اموال بیت‌المال

گام ششم امام علی (ع) در مقابله با فساد، پس گرفتن اموال بیت‌المال است. حضرت در این راستا توجهی به گفته‌های دیگران نمی‌کند و در اوایل حکومت ایشان می‌بینیم که چنین هشدار می‌دهند که «اگر بیت‌المال را کابین زنان خود کرده باشید، پس می‌گیرم و

دینار دینار بیت‌المال را با شما حساب و کتاب می‌کنم». وقتی اعتراض اطرافیان را می‌بیند، می‌فرماید: «من حاضر نیستم یک روز مفسد اقتصادی را تحمل کنم».

۳-۷) برخورد قاطع و فوری با مفسدان

گام هفتم امام علی (ع) در مقابله با فساد، برخورد قاطع و فوری با مفسدان است. امام علی (ع) در برخورد با فاسد، تأخیر نداشتند؛ چون تأخیر باعث تشدید فساد شده و مفسد اقتصادی نسبت به نظام گستاخ و طلبکار می‌شود.

۳-۸) رانت و امتیاز ندادن

گام هشتم امام علی (ع) در مقابله با فساد، رانت و امتیاز ندادن است. در این زمینه داستان امام علی (ع) و خزانه‌دار بیت‌المال معروف است که «خزانه‌دار بیت‌المال گردنبندی را به دختر امام علی (ع) برای یک شب قرض می‌دهد که وقتی امیرالمؤمنین (ع) این گردنبند را بر گردن دخترش می‌بیند، می‌فرماید: این گردنبند برای توست؟ او می‌گوید: خیر، از بیت‌المال امانت گرفتیم. امام (ع) شبانه، خزانه‌دار بیت‌المال را احضار می‌کند و به او می‌گوید: تو با چه اجازه‌ای، از بیت‌المال امانت دادی؟ پاسخ می‌دهد که در قبال آن، ضمانت گرفتم. علی (ع) می‌فرماید: والله قسم، اگر این ضمانت را نمی‌گرفتی و مراتب مقرر در اسلام راجع به امانت را رعایت نمی‌کردی، اولین شخص از قریش که دستش قطع می‌شد، دختر من بود.»

۳-۹) ریشه‌یابی و از بین بردن بسترهای فسادزا

گام نهم امام علی (ع) در مقابله با فساد، ریشه‌یابی عوامل و بسترهای فسادزا و از بین بردن آنها است. امام علی (ع) بعد از اجرای حکم در مورد جوانی فرمود: «از بیت‌المال برای این جوان ازدواج کنید تا بستر گناه از بین برود و الا دوباره سمت گناه خواهد رفت.»

۳-۱۰) ارائه الگو برای اقتصاد خانواده و کشور

گام دهم امام علی (ع) در مقابله با فساد، ارائه الگو برای اقتصاد خانواده و کشور است. امام علی هم در زندگی شخصی و هم حکومت پنج‌ساله خود، چنان حکومت کردند که عمر بن عبدالعزیز می‌گفت: «علی بن ابیطالب از حاکمان گذشته، آبرو برد و برای آیندگان خویش، دردسر ایجاد کرد و یک الگویی برای مردم جهان تا قیامت ارائه داد که کسی نمی‌تواند بیشتر یا کمتر از آن کار کند».

۳-۱۱) تأمین امنیت اقتصادی فعالان اقتصادی

گام یازدهم امام علی (ع) در مقابله با فساد، تأمین امنیت اقتصادی فعالان اقتصادی است. علی (ع) دستورهایی را صادر می‌کند و بر بازار افراد پلیس را می‌گذارد تا مراقب اموال مردم باشند و مأموران نظارتی می‌گمارد که کسی احتکار یا گران‌فروشی نکند و از سوی دیگر مراقب سرمایه‌گذار هم هست» (دشتی، ۱۳۹۷)

۴. نتیجه‌گیری

نخستین راه رسیدگی به معضل فساد در جوامع مسلمان، ایجاد حکمرانی خوب است. باین‌حال، یک جامعه مدنی پویا و در حال رشد می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. از این‌رو، اسلام با هر گونه تجاوز به اخلاق شریف از قبیل فساد و سایر ظلم‌ها مخالف است. اسلام رشوه و دزدی را به‌صراحت حرام کرده است. اسلام همچنین مسلمانان را از سرقت اموال و دارایی‌های خصوصی و دولتی منع کرده است.

علاوه بر این، اسلام، فساد را که به عنوان فعالیت‌های غیرقانونی برای منافع مادی خصوصی یا گروهی و یا سوءاستفاده از اعتماد، قدرت و مناصب و موقعیت عمومی به نفع

منافع شخصی یا گروهی تلقی می‌شود، ممنوع می‌کند. اسلام تصریح دارد که قدرت و مناصب عمومی که از جانب رهبران پذیرفته می‌شود، امانتی است که خداوند به آن‌ها عطا کرده است. صاحبان مناصب دولتی هم در برابر خدا و هم در برابر جامعه مسئول هستند. آنها به عنوان نمایندگان خدا در روی زمین، نه تنها در قبال مردم، بلکه نسبت به خودشان نیز مسئول اجرای عدالت هستند. در غیر این صورت مسئول فساد خواهند بود.

از اقدامات اساسی و بنیادی حکومت علوی مبارزه با فساد اقتصادی بود. امیرمؤمنان با در نظر گرفتن روش‌ها و قواعد مقابله با فساد و با علم و دانش اقتصادی از مفسد بسیاری جلوگیری می‌نمود تا عموم مردم بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند و از فساد که برهم‌زننده آرامش و تعادل در بازار است، پیشگیری شود. سیره عملی امیرمؤمنان نیز به‌خوبی نشان‌دهنده برخورد جدی وی با مفسد اقتصادی کارگزاران است. در مقابل، حضرت با مردم برخوردی مدارا گونه داشت و به کارگزاران نیز دستور می‌داد که از خطاهای مردم چشم‌پوشی کنند.

با استفاده از راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) می‌توان بخش زیادی از فساد اقتصادی را از بین برد. شفافیت در میزان دارایی، برکناری کارگزاران فاسد، ایجاد نظام جامع و دقیق نظارت و کنترل از جمله این راهکارهاست. گام‌هایی که باید سرلوحه مبارزه با فساد قرار گیرند عبارتند از: داشتن سیستم نظارتی قوی، پیگیری شکایات مردمی، افشا و رسوایی خیانتکاران، تحقیر مفسدین اقتصادی، عزل فوری مفسدان اقتصادی، پس‌گرفتن اموال بیت‌المال، برخورد قاطع و فوری با مفسدان، رانت و امتیاز ندادن، ریشه‌یابی و از بین بردن بسترهای فسادزا، ارائه الگو برای اقتصاد خانواده و کشور، تأمین امنیت اقتصادی فعالان اقتصادی.



فهرست الفبایی منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق)؛ *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷)؛ *انساب الأشراف*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱)؛ *مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی*، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)؛ *تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حاجیان حسین‌آبادی، رضا (۱۳۹۸)؛ *روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی*. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، دوره ۱۱، شماره ۶۱، صص ۱۰۱-۱۲۴.
- حسنی، علی و شمس، عبدالحمید (۱۳۹۱)؛ *راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی*، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۵.
- حکیمی، محمد و حکیمی، علی و حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ *الحیة*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خضری، محمد (۱۳۸۷)؛ *آسیب‌شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران*، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۸۹.
- دادگر، حسن، معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۸۳)؛ *فساد مالی*، تهران، نشر کانون اندیشه جوان.
- دشتی، محمدمهدی (۱۳۹۷)؛ *اصلاحات اقتصادی علی (ع)*، گفت‌وگو با وبگاه شفقنا.
- سرکشیکیان، سید محمدحسین (۱۳۸۸)؛ *سازوکارهای مبارزه با مفاصل اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه‌السلام)*، فصلنامه کارآگاه، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵۶-۷۹.
- سید رضی، محمد بن الحسین (۱۳۷۹)؛ *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- شاه علی، مهرزاد، رنجبر، حسام‌الدین (۱۳۹۴)؛ *بررسی تأثیر بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی در سازمان بر گسترش میل به فساد اداری*، مورد مطالعه: اداره امور مالیاتی شهرستان دلیجان، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران.
- صادقی، حسین، صباغ کرمانی، مجید، شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۷)؛ *بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد*، نشریه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۸۵، صص ۲۰۷-۲۳۶.

صالحی، مصطفی (۱۳۹۹)؛ *عوامل بروز فساد اداری از دیدگاه اسلام*، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۱۰-۱۳۱.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)؛ *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

عزتی، مرتضی، بهمن کریمی، گلنار (۱۳۹۳)؛ *طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۳-۶۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)؛ *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.

محمدنئی، حسین (۱۳۸۰)؛ *فساد اداری و مبارزه با آن از نظر سازمان ملل متحد*، نشریه وکالت، دوره ۳، شماره ۹، صص ۳۸-۴۲.

معین، محمد (۱۳۶۲)؛ *فرهنگ فارسی معین*، تهران، مؤسسه امیرکبیر.

مؤمنی، ابراهیم، خدادادی، سعید، شعاعی، علی‌اصغر، وحیدی اصل، مهدی (۱۴۰۳)؛ *رابطه‌ی اجرای عدالت با کاهش فساد برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر سیره‌ی امام علی (ع)*. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۲۵۷-۲۷۸.

نظامی، فرهاد، رضائیان، غلامرضا، قصری، محمد (۱۴۰۰)؛ *بررسی و تبیین عدالت و مبارزه با فساد در ناچا در بیانیه گام دوم انقلاب*. فصلنامه علمی نظارت و بازرسی ناچا، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۳۹-۷۷.

یعقوبی، احمد ابن یعقوب (۱۳۸۰)؛ *دانشنامه امام علی*، جلد دهم (سیره)، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. منابع لاتین

Azra, A. (2010). *Islam, corruption, good governance, and civil society: the Indonesian experience*. Islam and Civilisational Renewal (ICR), 2 (1).

Gupta, A. (1995) 'Blurred boundaries: the discourse of corruption, the culture of politics and the imagined state', American Ethnologist 22(2): 375-402.

Johnston, M. (1996) 'The Search for Definitions: The Vitality of Politics and the Issue of Corruption', International Social Science Journal, 149, 321-35.

Leys, C. (1965) 'What is the problem about corruption?' Journal of Modern African Studies 3(2): 215-24.

- Liu, Y., Huang, Y., Luo, Y., Zhao, Y. (2012), "**How does justice matter in achieving buyer-supplier relationship performance?**" *Journal of Operations Management* 30, 355-367.
- Miller, W. L., A. B. Grodeland, and T. Y. Koshechkina (2001). *A Culture of Corruption? Coping With Government in Post-Communist Europe*, Bucharest: Central European University Press.
- Nye, J. S. (1967), "**Corruption and Political Development: A CostBenefit Analysis**", *American Political Science Review* 61(2), 417-27.
- Olivier de Sardan, J.-P. (1999) '**African corruption in the context of globalisation**', in R. Fardon, W. van Binsbergen, and R. van Dijk (eds.) *Modernity on a Shoestring: Dimensions of Globalisation, Consumption and Development in Africa and Beyond*, Leiden and London: EIDOS.
- Parry, J. (2000) '**The crisis of corruption and the idea of India - a worm's eye view**', in I. Pardo (ed.) *Morals of Legitimacy: Between Agency and System*, Oxford: Berghahn Books.
- Tanzi, Vito (2000), *Policies, Institutions and the Dark Side of Economics*, Northampton, MA: Edward Elgar.
- Wolf, M. T. A., & Gürgen, E. (2000). *Improving governance and fighting corruption in the Baltic and CIS countries: The role of the IMF*. International Monetary Fund.

Economic Corruption and How to Fight it in Alawi Government

Omid Farhad Touski

Assistant Professor of Accounting Department, Islamic Azad University, Khorramabad Branch,
Khorramabad, Iran

Rahman Doustian ¹

Assistant Professor of Accounting Department, Islamic Azad University, Khorramabad Branch,
Khorramabad, Iran

Date of Receipt: 06/05/2024

Date of Acceptance: 09/08/2024

Abstract

The purpose of this study is to investigate the fight against economic corruption in the Alawi government. From the point of view of Islam and the Quran, since the goal is a healthy economic circulation all over the society, any behavior against this principle is considered economic corruption; therefore, even accumulating wealth is fought against because accumulating wealth not only prevents the healthy circulation of the economy in the society, but it also seriously hinders individual growth and makes humans trapped in extravagance. Imam Ali (A.S.) has explained methods to fight corruption in Nahj al-Balagheh and he employed them in his government.

In this research, using the analytical descriptive method, by relying on Nahj al-Balagha and other reliable sources, the answer to this question was investigated: How was the way of fighting economic corruption in the Alawi government? The findings showed that a dynamic civil society can play an important role in creating and empowering good governance. This is what which is worthy of attention; however, the economic policies of the Alawite government has been ignored from the point of view of deep Muslim thinkers in the field of economics, even though it can be the basis and foundation for new design to avoid the economic crisis in the Islamic world and establish a suitable economic model.

Keywords: Social Justice, Economic Corruption, Anti-Corruption, Alawite Government

Corresponding Author: Rahman_doustian@yahoo.com